

مطالعه تطبیقی جرم توهین در ایران و عراق

مسعود مداح^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۸

چکیده

یکی از جرائم مهمی که در تمام دنیا جرم انگاری شده است و نوع بشر در مقابل با آن واکنش نشان داده است، توهین و استخفاف سایر افراد است. از طرفی با توجه به روابط بین‌المللی جوامع با یکدیگر و افزایش روزافزون آن در سطح اجتماعی و سیاسی؛ اطلاع یافتن نسبت به یافته‌های حقوقی سایر کشورها از جهات مختلفی اهمیت پیدا می‌کند. به همین دلیل در این مقاله با مطالعه تطبیقی بین جرم توهین - به معنای اعم آن - بین کشور ایران و عراق، سعی شده است تا وجوه تمایز احصا شود و همچنین رویکردهای نوین قانونی و احیاناً کاستی‌هایی که موجب افزایش جرم و ظهور بی قانونی می‌شوند، نیز بررسی گردد. با مطالعه دقیق، می‌توان گفت: قوانین کیفری ایران رویکرد نزدیک‌تری به احکام شریعت مقدس اسلامی دارند ولی این به معنای کامل بودن قوانین در این حوزه نمی‌باشد و با بررسی قوانین کیفری عراق به این مهم دست یافتیم که در موضوعاتی مانند موارد اباحه توهین، قانونگذار ایران نیز مانند عراق، می‌تواند رویکرد دقیق‌تری را پیش بگیرد که هم متناسب با شریعت مقدس اسلامی باشد و هم از عوامل جرم زدا و کاهش بزه کاری به شمار رود و در فرایند پیشگیری از جرم نیز مؤثر واقع شود.

واژگان کلیدی: توهین، قذف، مطالعه تطبیقی، قانون عراق.

۱- دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، طلبه سطح سه حوزه علمیه مشکوه،



۱. مقدمه:

گسترده‌گی روابط فی‌مابین دو کشور ایران و عراق و متشابهات فرهنگی و اجتماعی فراوان حاصل از فرهنگ اسلامی و موقعیت جغرافیایی باعث شده است که از دیرباز تا کنون مردمان این خطه ارتباطات و تبادلات بسیاری با یکدیگر داشته باشند؛ که آثارش را بر ساختارهای متعدد اجتماعی من جمله ساختار حقوقی دو کشور، اعمال میکند. علاوه بر این مهم و با در نظر گرفتن فواید مهم مطالعات تطبیقی (ر.ک: صفایی، ۱۳۹۱: ۱۴)، می‌توان گفت در عصر حاضر به دلیل حجم بالای رفت و آمد که به انگیزه‌های متعددی مانند زیارتی، تجاری و... صورت می‌پذیرد، اطلاع از قوانین کشور همسایه بیش از پیش اهمیت پیدا می‌کند.

یکی از جرائمی که علیه حیثیت و اعتبار معنوی اشخاص صورت می‌پذیرد، جرم توهین است (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۵: ۱۶۸). که با توجه به عوامل مخرب فرهنگی من جمله فضای مجازی، نفوذ سبک زندگی مادیرگرایانه و ساده انگاری در خصوص حفظ حرمت افراد، به انحاء مختلفی گسترش یافته لذا لازم دانستیم پیرامون این جرم که از منظر دین مبین اسلام نیز جزو یکی از گناهان کبیره شمرده شده است (دستغیب، بی تا، ۲: ۳۱۰)، تحقیق نماییم.

چنانچه میدانیم مطابق قانون اساسی (اصل چهارم قانون اساسی) در نظام مقدس جمهوری اسلامی که قوانین الزاماً باید مطابق شرع مقدس اسلام تنظیم گردد، قانونگذار نیز به طور کلی در چند بخش از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵ از توهین و جرائم مرتبط با آن سخن به میان آورده است که از جمله آن کذب (ر.ک: مواد ۲۴۵ تا ۲۶۱ قانون مجازات اسلامی)، {سب النبی} (ر.ک: مواد ۲۶۲ و ۲۶۳ قانون مجازات اسلامی)، توهین به مقدسات (ر.ک: مواد ۵۱۳، ۵۱۴ قانون مجازات اسلامی) و توهین به افراد عادی و کارمندان (ر.ک: مواد ۶۰۸ و ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی) می‌باشد. در فصل چهارم قانون مجازات کشور عراق نیز با عنوان "القذف والسب" (ر.ک: مواد ۴۳۳ تا ۴۳۶ قانون العقوبات العراقي)، توهین تحت دو عنوان کلی قذف و سب جرم انگاری شده است که در این مقاله بعد از تعریف مفاهیم با لحاظ ارکان تشکیل دهنده یک جرم، بصورت تطبیقی در قانون مجازات اسلامی ایران و قانون عقوبات عراق هر یک از این ارکان تشکیل دهنده جرم مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

قبل از ورود به بحث، لازم به ذکر است که در عنوان این مقاله واژه توهین به معنای لغوی خود یعنی "سست کردن و ضعیف کردن و خوار و خفیف کردن" (عمید، بی تا، ۱: ۶۴۳) یا به تعبیر دیگر هر آنچه که موجب استخفاف و وهن شود، به کار رفته است که تقریباً با آنچه در حقوق کیفری مطرح می‌شود، رابطه عام و خاص مطلق دارد. چرا که در قوانین با لحاظ شیوه ارتکاب و نوع انتساب و طرف مقابل توهین، ممکن



است جرائم مختلفی بوجود آید که از حیث مجازات متفاوت باشند یا تحت یک عنوان خاص با تعاریف گوناگون در بین قوانین دو کشور لحاظ شوند که تحت دو عنوان کلی قذف و توهین این جرائم مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

۲. قذف

یکی از مواردی که مصداقی از مفهوم توهین به معنای اعم آن می‌باشد، جرم قذف است که پس از بررسی لغوی و اصطلاحی آن در قانون ایران و عراق به بررسی تطبیقی ارکان جرم خواهیم پرداخت.

۲-۱. قذف در لغت و اصطلاح (عنصر قانونی):

قذف در لغت به معنی بیرون انداختن یا پرتاب کردن (فراهدی، ۱۴۰۹، ق، ۵: ۱۳۶) آمده است و مترادف با واژه رمی است. لذا وقتی در کنار کلمه حجاره به معنی سنگ به کار رود به معنی پرتاب کردن سنگ است و وقتی در کنار کلمه محصنه قرار بگیرد به معنی نسبت فحشاء دادن است (فیومی، ۱۴۱۴، ق، ۲: ۴۹۵). آگویی ناسزا دادن و نسبت زنا دادن به محصن (مشکینی، ۱۴۱۷، ق: ۴۵) ^۲مانند تیری است که به جان شخص می‌نشیند.

در شریعت مقدس اسلام، قذف جزو یکی از گناهان کبیره (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷، ق، ۲: ۲۷۸) (ر.ک: نجفی، ۱۴۰۴، ه.ق، ۱۳: ۳۱۶) بیان شده و برای آن کیفر مشخصی تحت عنوان حد شرعی (همان، ۴۱: ۴۰۳) در کتاب خدا و سنت تعیین گردیده است. قانون ایران نیز به تبعیت از قوانین الهی، در مواد ۲۴۵ تا ۲۶۱ قانون مجازات اسلامی به این مورد پرداخته است و در تعریف قذف در ماده ۲۴۵ بیان داشته که «قذف عبارت است از نسبت دادن زنا یا لواط به شخص دیگر هرچند مرده باشد». و مجازات آن نیز مطابق ماده ۲۵۰ قانون مجازات اسلامی، ۸۰ ضربه شلاق تعیین گردیده است.

در قانون مجازات عراق (مصوب سال ۱۹۶۹ م) مواد ۴۳۳ تا ۴۳۶ به جرم انگاری و بیان مجازات دو عنوان قذف و سب پرداخته که قذف را نیز به سه گونه قذف ساده، مشدد و مباح بیان نموده است. در ماده ۴۳۳ قانون عقوبات عراق، قذف را بصورت عام «اسناد دادن یک واقعه معینی به دیگری تعریف کرده است».

۱. (قَذَفَ) الْمُحْصَنَةَ (قَذْفًا) رَمَاهَا بِالْفَاحِشَةِ

۲. معنای اصطلاحی واژه احصان دارای حقیقت شرعی یا متشرعه نمی‌باشد بلکه در ابواب مختلف شروط تحقق و زوالی آن بیان شده است که این حاکی از اختلاف در معنا نیست. به عنوان مثال در باب زنا از کتاب الحدود، احصان در مورد زن شوهر دار و مرد متاهل به کار برده شده است در باب قذف احصان به معنای عفت با در نظر گرفتن شرایط خاصی استفاده شده است.



که آن واقعه یا جرم باشد یا سبب حقارت مقذوف شود و این را در معنایی که حقیقت شرعیه دارد، استعمال نکرده است و مختص اسناد دادن زنا یا لواط ندانسته است.

۲-۲. رکن مادی جرم قذف در ایران:

طبق اصل قانونی بودن جرم و مجازات (ر.ک: ماده ۲ قانون مجازات اسلامی) وقتی موضوعی جرم انگاری می‌شود و عنصر قانونی جهت تحقق کیفر فراهم می‌گردد، لازم است در واقع عنصر مادی و روانی نیز موجود شوند تا با تطبیق مصداق بر عنصر قانونی بتوان آن را کیفردهی نمود. لذا بعد از اینکه عنصر قانونی جرم قذف بیان شد، لازم است عنصر مادی و معنوی آن نیز مورد تدقیق قرار گیرد. عنصر مادی جرم قذف شامل رفتار فیزیکی، شرایط و اوضاع و احوال لازم برای تحقق جرم و نتیجه مادی می‌باشد.

۲-۲-۱. رفتار فیزیکی در جرم قذف

همان نسبت دادن زنا یا لواط و این اسناد می‌تواند به هر صورتی از قبیل لفظ، نوشتار، وسایل مخابراتی و الکترونیکی و... ارتکاب یابد (تبصره ماده ۲۴۶ قانون مجازات اسلامی).^۱

۲-۲-۲. شرایط و اوضاع و احوال لازم برای تحقق جرم قذف

در مورد شرایط لازم برای تحقق جرم باید به این موارد اشاره نمود که اولاً حد قذف نسبت به کسی است که دارای وصف احسان باشد (ماده ۲۵۱ قانون مجازات اسلامی).^۲ ثانیاً قانونگذار در خصوص حد قذف بیان داشته است که باید صراحت در معنای قذف داشته باشد و این موضوع در ابتدای ماده ۲۴۶ آمده است که «قذف باید روشن و بدون ابهام بوده...» و از طرفی در ماده ۲۴۸ نیز بیان شده است که «هرگاه قرینه ای در بین باشد که مشخص گردد منظور قذف نبوده است، حد ثابت نمی‌شود.» ثالثاً مخاطب این قذف فرد یا افراد مشخصی باشند.

^۱ « قذف علاوه بر لفظ با نوشتن، هرچند به شیوه الکترونیکی نیز محقق می‌شود.»

^۲ « قذف در صورتی موجب حد میشود که قذف شونده در هنگام قذف، بالغ، عاقل، مسلمان، معین و غیرمظاهر به زنا یا لواط باشد.»



۲-۲-۳. نتیجه مادی

در مورد نتیجه مادی جرم که در ما نحن فیه ایداء مخاطب است، شرط تحقق جرم نمی‌باشد فلذا جرم قذف جرو جرائم مطلق به شمار می‌رود و به صرف نسبت دادن عمل زنا یا لواط به شخص دارای آن اوصاف، عملاً جرم محقق خواهد شد. الا اینکه درخواست اجرای حد قذف به دلیل اینکه جزو جرائم قابل گذشت است، بر عهده شاکی می‌باشد (ماده ۲۵۵ قانون مجازات اسلامی).^۱

۲-۳. رکن مادی جرم قذف در عراق:

همانطور که در تعریف قذف در قانون عقوبات عراق بیان شد یک تعریف عام غیر از آنچه حقیقت شرعی و متشرعه می‌باشد را دارند که در ماده ۴۳۳ بیان داشته اند: «القذف هو اسناد واقعه معینه الی الغير باحدی طرق العلانیة من شأنها لو صحت ان توجب عقاب من اسندت الیه او احتقاره عند اهل وطنه». طبق این تعریف عنصر مادی جرم قذف در قانون عقوبات عراق اسناد دادن یک واقعه معینی است که آن واقعه به شأن خود اگر صحت داشته باشد، مقذوف را مستحق عقاب و مجازات می‌کند حال این مجازات و عقوبت خواه مجازات انضباطی یا اداری یا جزائی یا حتی حقیر شدن نزد اطرافیان و دوستان و... باشد. (الشاوی، ۱۹۸۲م: ۳۵) پس جرم قذف در قانون عقوبات عراق باید دارای این شرایط باشد: اولاً اسناد یک واقعه معین باشد مثلاً به دیگری سرقت را اسناد دهد. ثانیاً واقعه ای که مستلزم عقوبت یا حقارت باشد که در این مثال سرقت دارای عقوبت و حقارت و عرفاً نیز مذموم است. ثالثاً این اسناد بوسیله یکی از طرق آشکارسازی بین دیگران صورت بگیرد مثلاً آن را در جمعی بیان کند یا بنویسد و به هر طریقی که دیگران نیز از آن اطلاع یابند، آشکار کند (السماک، ۱۹۹۰م، ۱: ۶۱). یا در جایی که مُعد برای حضور یا شنیدن یا دیدن مردم است و یا از طریق نشر در کتاب، مجله، روزنامه و فضای مجازی که عمومی محسوب می‌شوند، بیان کند که تشخیص این عمومیت و علنی بودن نیز بر عهده قاضی می‌باشد (الفقی، ۱۹۹۹م: ۸۴) فلذا طبق قانون عقوبات عراق سبب قذف بصورت مطلق هر چیزی می‌تواند اعم نوشتار، تصویرگری و نقاشی، ایما و اشاره و حتی بصورت تلویحی نیز باشد. با این بیان حقوقدانان عراقی بیان کرده‌اند که نسبت دادن امر شنیع یا سببی یا واقعه معینی به یک شخص معین حتی اگر بصورتی باشد که قاذف بگوید من اینطور شنیدم و این دلیل بر تحقیر و توهین کند، او مسوولیت کیفری دارد هر چند تصریح نکرده باشد (فهمی ناصر، ۲۰۱۷م: ۲۴) یا مثلاً اگر سردبیر یک نشریه بگوید ما ضمانت صحت مطالب منتشر شده را نمی‌کنیم، این رافع مسوولیت او در قبال

^۱ «حد قذف حق الناس است و تعقیب و اجرای مجازات منوط به مطالبه مقذوف است. در صورت گذشت مقذوف در هر مرحله، حسب مورد تعقیب، رسیدگی و اجرای مجازات موقوف می‌شود.»



چیزهایی که به دیگران نسبت می‌دهند، نمی‌باشد. حال آنکه در قانون ایران و حد قذف که در یک عنوان خاص فقهی استعمال شده است دلالت اعم به این صورت ندارد و سایر موارد تحت عنوان‌هایی مانند توهین و افترا در قانون ایران جرم انگاری شده‌اند.

۲-۴. رکن معنوی جرم قذف در ایران و عراق:

عنصر معنوی در حد قذف طبق قانون مجازات اسلامی آن است که قاذف اولاً نسبت به معنای لفظی که استعمال می‌کند، آگاهی داشته باشد لذا اگر کسی که مثلاً تازه با زبان فارسی آشنا شده است و بسیاری از معانی لغات را نمی‌داند! بطور ناآگاهانه لفظی را بگوید که طبق معنایش نسبت زنا یا لواط می‌باشد، به دلیل این عدم آگاهی حد قذف از او ساقط می‌شود. ثانیاً قاذف قصد انتساب داشته باشد و صرفاً در مقام بیان یک لفظ بودن بدون قصد انتساب آن به شخص دیگر، جرم محقق نمی‌شود. اما قصد نتیجه قذف که مثلاً ایذاء مقذوف باشد، شرط تحقق حد قذف نمی‌باشد لذا حتی اگر مقذوف در حین قذف از معنای واژه آگاهی نداشته باشد نیز جرم قذف محقق می‌شود. قانونگذار نیز در ماده ۲۴۶ قانون مجازات اسلامی بیان داشته است که: «... نسبت دهنده به معنای لفظ آگاه و قصد انتساب داشته باشد گرچه مقذوف یا مخاطب در حین قذف از مفاد آن آگاه نباشد».

در قانون عقوبات عراق نیز داشتن قصد عمد برای تحقق جرم شرط است که یعنی مرتکب به معنای زشت آن انتساب و الفاظ آگاه باشد و اراده عمل و فعل ارتكابی را داشته باشد (فهمی ناصر، ۲۰۱۷م: ۲۰) لذا از این جهت با قوانین ایران تفاوتی ندارد.

۲-۵. مجازات قذف و موارد سقوط کیفر:

مجازات قذف طبق شرع مقدس ۸۰ ضربه شلاق می‌باشد که قانون ایران نیز از این تبعیت نموده است (خویی، ۱۴۲۲ ه. ق، ۴۱: ۳۰۶) (ماده ۲۵۰ قانون مجازات اسلامی) جرم قذف در ایران به عنوان یک جرم قابل گذشت شناخته شده است که با مطالبه حد توسط مقذوف، عملیات تعقیب کیفری شروع شده و با گذشت او نیز حد ساقط خواهد شد (ماده ۲۵۵ قانون مجازات اسلامی).^۱ ثانیاً در مواردی مانند تظاهر مقذوف به زنا و لواط، تصدیق قاذف توسط مقذوف، اثبات جرم مقذوف، لعان و قذف دو طرفه؛ مجازات حد قذف ساقط خواهد شد (ر.ک: ماده ۲۶۱ و تبصره ۱ ماده ۲۵۱ قانون مجازات اسلامی)

^۱ «حد قذف حق الناس است و تعقیب و اجرای مجازات منوط به مطالبه مقذوف است. در صورت گذشت مقذوف در هر مرحله، حسب مورد تعقیب، رسیدگی و اجرای مجازات موقوف می‌شود.»



در قانون عراق مجازات قذف، حبس و جزای نقدی میباشد لذا در ماده ۴۳۳ بیان شده است که: «و يعاقب من قذف غيره بالحبس و بالغرامه او باحدى هاتين العقوبتين» و از آنجایی که قذف در قانون عراق چیزی شبیه به افترا در قانون ایران می‌باشد، در مواردی که انتشار آن با وسایل ارتباط جمعی باشد، مجازات آن مشدد خواهد شد. به هر حال این جرم در مواردی که منتشر نشود و صرفاً به طرف مقابل به طور خصوصی بیان شده باشد طبق ماده ۴۳۵ قانون عقوبات عراق به مجازاتی با حداکثر حبس شش ماه و به جزای نقدی حداکثر ۵۰ دینار یا یکی از این دو مجازات محکوم خواهد شد. مواردی که جرم قذف در قانون عراق ساقط می‌شود، عبارتند از: اولاً در جایی که مقذوف از مسوولین مملکتی یا از کسانی باشد که امور مربوط به عامه را انجام می‌دهد و قذف نیز مرتبط با مسوولیت او باشد و شخص قاذف دلیلی برای صحت انتساب اقامه نماید، در این صورت قذف ساقط است (بند دوم ماده ۴۳۳ قانون عقوبات عراق) ثانیاً موضوعاتی که دو طرف دعوا در دادگاه به یکدیگر نسبت می‌دهند از تحت عموم معنای قذف خارج است (بند اول ماده ۴۳۶ قانون عقوبات عراق).^۲ ثالثاً کسی که از ظلم شدید ظالمی به غضب آمده، اگر او را قذف نماید؛ عقاب ندارد. گویی قانونگذار عراقی تحریکی که از طرف ظالم صورت گرفته را ظرف برای رفع مسوولیت کیفری دانسته است (بند دوم ماده ۴۳۶ قانون عقوبات عراق).^۳

۲-۶. نتیجه:

در مورد جرم قذف می‌توان گفت آنچه بین قانون ایران و عراق بیان شده است صرفاً شباهت لفظی است در حالیکه منظور قانون گذار عراقی گونه‌ای از توهین و افتراست ولی مراد قانونگذار ایرانی اصطلاح خاص فقهی است. بیشتر آنچه در مورد قذف نیز در قانون عقوبات بیان شد، منطبق بر افترا در قانون ایران می‌باشد که در واقع می‌توان گفت قانون عراق اساساً تفکیکی بین نسبت دادن زنا و لواط به کسی یا نسبت دادن سرقت و سایر امور قبیح به اشخاص نداده است. قانونگذار ایران در ماده ۶۹۷ (کتاب پنجم) قانون مجازات اسلامی بیان کرده است که: «هر کس به وسیله اوراق چاپی یا خطی یا به وسیله درج در روزنامه و جرائد یا نطق در مجامع یا به هر وسیله دیگر به کسی امری را صریحاً نسبت دهد یا آن‌ها را منتشر نماید که مطابق قانون آن امر جرم محسوب می‌شود و نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید جز در مواردی که موجب حد است به یک

^۱ «اذا وقع القذف او السب فی مواجهة المجنی علیه من غیر علانیة او فی حدیث تلفونی معه او فی مکتوب بعث به الیه او ابلغه ذلک بواسطه

اخری فتکون العقوبة الحبس مدة لا تزيد علی ستة اشهر وبغرامه لا تزيد علی خمسين دینارا او باحدى هاتين العقوبتين».

^۲ «لا جریمه فیما یسند احد الخصوم او من ینوب عنهم الی الآخر شفاهاً او کتابهً من قذف او سب اثناء دفاعه من حقوقه امام المحاکم وسلطات التحقیق او الهیئات الاخری وذلک فی حدود ما یقتضیه هذا الدفاع».

^۳ «ولا عقاب علی الشخص اذا کان قد ارتكب القذف او السب وهو فی حالة غضب فور وقوع اعتداء ظالم علیه».



ماه تا یک سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق یا یکی از آن‌ها حسب مورد محکوم خواهد شد.^۱ لچنانچه مشخص است قذف در قانون عراق را میتوان با افترا در قانون ایران تطبیق داد با این تفاوت که در افترا اگر شخص مفتری، موضوع انتساب را ثابت نماید، مجازات نخواهد شد مگر آنکه موضوع از موارد منافی عفت باشد که نشر آن یا اثباتش موجب اشاعه فحشاء گردد که در این حالت رافع مسوولیت کیفری او نیست (تبصره ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی). اما در قانون عقوبات عراق در بند دوم ماده ۴۳۳ بیان کرده است که: «ولا یقبل من القاذف اقامه الدلیل علی ما اسنده» یعنی حتی اگر قاذف آن مورد انتساب را ثابت نماید باز هم به جهت همین تحقیر و وهن مجازات می‌شود! اما در ادامه قانونگذار عراقی یک استثناء وارد می‌کند و آن هم مواردی است که جرم انتسابی به مسوولین دولتی و کارمندان باشد و مرتبط با شؤون مهمه حکومت باشد که در این صورت اگر قاذف جرم انتسابی را ثابت نماید، جرم قذف محقق نمی‌باشد.^۲

۳. توهین:

در شریعت مقدس اسلامی به جهت حفظ حرمت مؤمن، توهین و شتم دیگران به شدت نهی شده است و برای آن عذاب شدیدی در آخرت لحاظ شده است. مانند روایت ابی بصیر از امام صادق علیه السلام که حضرت از رسول خدا (ص) نقل کردند که ایشان فرمودند: «سِبَابُ الْمُؤْمِنِ فُسُوقٌ وَ قِتَالُهُ كُفْرٌ وَ أَكْلُ لَحْمِهِ مَعْصِيَةٌ وَ حُرْمَةُ مَالِهِ كَحُرْمَةِ دَمِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۲: ۳۶۰) یا در روایت دیگری نقل است که پیامبر (ص) فرمودند: «سِبَابُ الْمُؤْمِنِ كَالْمُشْرِفِ عَلَى الْهَلَكَةِ» (همان) فلذا در قانون ایران به تبعیت از شارع مقدس، توهین بصورت توهین ساده و مشدد، توهین به رهبری و مراجع، توهین به مقدسات جرم انگاری شده است. فقهاء در تعریف سب بیان نموده‌اند که «منظور توصیف شخص به چیزی است که عیب و نقص محسوب شود و عیب هر چیزی است که شخص را اذیت کند مانند قذف، یا الفاظی مثل حقیر، پست، سگ، کافر، مرتد، یا تعابیری از عذاب مانند جذامی و...» (انصاری دزفولی، ۱۴۱۵ هـ ق، ۱: ۲۵۴) همچنین در ماده ۶۰۸ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ بیان داشته شده است که: «توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک چنانچه موجب حد قذف نباشد به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی^۳ خواهد بود.»

۱. به موجب بند ج ماده یک قانون «کاهش مجازات حبس تعزیری» مصوب ۱۳۹۹: جزای نقدی درجه شش

۲. «...الا اذا كان القذف موجها الى موظف او مكلف بخدمة عامة او الى شخص ذي صفة نيابية عامة او كان يتولى عملا يتعلق بمصالح الجمهور وكان ما اسنده القاذف متصلا بوظيفة المقدوف او عمله فاذا اقام الدليل على كل ما اسنده انتفت الجريمة»

۳. به موجب بند ج ماده یک قانون «کاهش مجازات حبس تعزیری» مصوب ۱۳۹۹: جزای نقدی درجه شش



در قانون عراق اگرچه بسیاری از مصادیق قذف را میتوان تحت عنوان توهین بیان نمود، اما قانونگذار عراقی مواردی که انتساب عمل زشتی در میان نباشد را در ماده ۴۳۴ قانون عقوبات تحت عنوان سب جرم انگاری نموده است که در واقع سب را لطمه زدن به اعتبار و شرف شخص بدون اینکه واقعه معینی را به او نسبت دهد، دانسته است. از منظر حقوقدانان عراقی نیز این جرائم علیه حیثیت و اعتبار و شرف افراد شناخته شده است و در تعریف اعتبار و شرف گفته‌اند: «جایگاهی که شخص در محیط زندگی و حیات اجتماعی خود دارد که منظور نوعی وثاقت و اعتماد دیگران به اوست و تشخیص این نوعی است و عموم افراد ملاک سنجش هستند.» (السعدون، ۱۹۸۸م: ۹۷).

با این بیان تفاوت بین سب و قذف در قانون عراق نیز عبارت است از اینکه، سب اسناد یک صفت مورد آزار به مجنی علیه میباشد که شرف و اعتبار او را خدشه دار می‌کند. در حالیکه قذف اسناد یک واقعه بود. از طرف دیگر مجازات قذف بیشتر از سب می‌باشد و برخی از اسباب اباحه‌ای که در قذف موجود است، در مورد سب جاری نمی‌باشد.

۱-۳. رکن مادی جرم توهین در ایران:

با توجه به اینکه جرم توهین جزو جرائم مطلق است لذا شرط نتیجه وجود ندارد و عنصر مادی آن شامل رفتار فیزیکی و اوضاع و احوال لازم برای تحقق جرم می‌باشد که باید آن‌ها را بررسی نمود. طبق قانون مجازات اسلامی رفتار فیزیکی ارتکاب بصورت مطلق شامل هرگونه گفتار، نوشتار حتی در قالب پیامک و ایمیل و...، صریحاً یا تلویحاً خواهد بود. لذا برخی حقوقدانان بیان کرده‌اند در ماده ۶۰۸ قید "از قبیل" وارده شده است که این حمل بر عدم انحصار مصادیق ارتكابی می‌شود و قانونگذار صرفاً بابت تمثیل چند نمونه را بیان کرده است. لذا ماده قانونی هرگونه توهینی اعم از قولی و فعلی، قولی بصورت شفاهی یا کتبی با مصادیق متعدّدش را شامل می‌شود. گرچه طبق مفاد برخی از نظریه‌های مشورتی (ر.ک: نظریه مشورتی به شماره ۷/۳۹۰ مورخ ۱۳۶۸/۰۲/۲۸ یا شماره ۷/۵۳۶۶ مورخ ۱۳۶۴/۱۱/۲۰) ماده تنها مربوط به توهین و هتک حرمت لفظی دانسته شده است. از طرف دیگر جرم توهین را می‌توان یک جرم مثبت دانست که با ترک فعل محقق نخواهد شد. فلذا بطور مثال سلام نکردن یا بلند نشدن نزد استاد یا مقام مافوق را نمی‌توان مصداق توهین کیفی دانست اما در توهین مشدد به دلیل اطلاق ماده ۶۰۹، برخی حقوقدانان قائل به این هستند که جرم با فعل یا ترک فعل قابل تحقق است (سپهوند، ۱۳۸۶، ۲۵۳) (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۴: ۴۸۳).

در مورد اوضاع و احوال تحقق جرم، اولاً توهین وقتی محقق می‌شود که رفتار موهن باشد که این یک موضوع عرفی است که مرتبط با محیط، شخصیت طرف مقابل و موقعیت‌های خاصی ممکن است تفاوت



داشته باشد. مثلاً پرتاب یک گوجه فرنگی در یک شوخی بین چند جوان توهین تلقی نمی‌شود اما همین عمل نسبت به یک مقام عالی رتبه یا در محیط رسمی، عرفاً توهین تلقی خواهد شد. ثانیاً توهین باید نسبت به شخص معینی صورت بگیرد لذا توهین به خود یا توهین به یک گروه کلی بدون تعیین مصداق را نمی‌توان تحت عنوان جرم کیفری تعقیب نمود. همچنین در جرم توهین باید دو طرف شخص حقیقی باشند چرا که طبق ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی در مسوولیت کیفری، اصل بر مسوولیت کیفری شخص حقیقی است و در مورد ماده ۷۴۷ نیز استناد جرائم رایانه ای به شخص حقوقی مستلزم آن دانسته شده است که جرم به نام شخص حقوقی و در راستای منافع آن ارتکاب یافته باشد. همچنین به نظر می‌رسد که توهین تنها نسبت به افراد در قید حیات موضوعیت دارد و اهانت به مردگان را شامل نمی‌شود مگر آنکه عرفاً هتک بازماندگان به حساب آید لذا در تبصره ۲ ماده ۳۰ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ نیز آمده است که: «هر گاه انتشار مطالب مذکور در ماده فوق راجع به شخص متوفی بوده ولی عرفاً هتاک به بازماندگان وی به حساب آید، هر یک از ورثه قانونی می‌تواند از نظر جزایی یا حقوقی طبق ماده و تبصره فوق اقامه دعوی نماید.»

نکته قابل ذکر دیگر این است که طبق قانون ایران علنی بودن توهین شرط تحقق آن نیست، برخلاف آنچه در مورد قذف در قانون عراق آمده که قانونگذار عراقی در ماده ۴۳۳ قید "باحدی طرق العلانیه" را لحاظ کرده است. گرچه در ماده ۴۳۵ یکی از مصادیقی را که موجب تخفیف در حبس و جزای نقدی قذف و سب می‌شود را با قید "من غیر علانیه" بیان کرده است، اما به هر حال این متفاوت از جرم انگاری در ایران می‌باشد چرا که اساساً در قوانین ایران مجنی علیه لحاظ نشده است و تحقق جرم نسبت به آن لایشرط می‌باشد یعنی به محض اینکه توهین صورت می‌گیرد، جرم محقق شده است چه اینکه شخص مجنی علیه اطلاع یابد یا علنی باشد و یا نباشد.

۲-۳. رکن مادی جرم توهین در قانون عراق:

در خصوص جرم سب قانونگذار عراقی در ماده ۴۳۴ قانون عقوبات بیان کرده است که «السب من رمی الغیر بما یخدش شرفه او اعتباره او یجرح شعوره وان لم یتضمن ذلک اسناد واقعۀ معینۀ». طبق این ماده رفتار فیزیکی تحقق جرم به هر شکلی از قبیل گفتار، نوشتار، استفاده از ابزار الکترونیکی و مخابراتی و... را شامل می‌شود. در رابطه با اوضاع و احوال لازم برای تحقق جرم نیز مانند آنچه در قانون ایران لحاظ شده بود، موهن بودن و اسناد صفتی که شرف و اعتبار طرف مقابل را به نحوی خدشه دار نماید، در قانون عراق نیز دیده شده است (العکلی، ۱۹۸۱م: ۱۱۵). از طرفی طبق قانون عراق نیز سب نسبت به شخص معین قابل فرض است و نسبت به اشخاص حقوقی یا عناوین کلی جرم نیست. قانون عراق قیدی برای زنده بودن

مخاطب ندارد لذا از اطلاق ماده حقوقدانان عراقی بیان داشته‌اند که این ماده توهین به مردگان را نیز شامل می‌شود. در سب نیز مانند قانون ایران، لازم نیست مجنی علیه سب را بشنود، همین که کسی غیر از او سب را بشنود در حالیکه مجنی علیه را نیز می‌شناسد، سب محقق شده است (فهمی ناصر، ۲۰۱۷م: ۱۶).

۳-۳. مجازات توهین در ایران و عراق:

توهین ساده طبق ماده ۶۰۸ مصوب ۱۳۷۵ مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی را داشته است که طبق بند ج ماده ۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹، مجازات این جرم به جزای نقدی درجه شش تقلیل یافت که طبق مفاد ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی، عبارت است از جزای نقدی بیش از بیست میلیون (۲۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا هشتاد میلیون (۸۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال. این در حالی است که در قانون عراق اگر سب و قذف به صورت غیرعلنی باشد و تنها مثلاً مجنی علیه متوجه توهین بشود، مرتکب به حبس کمتر از ۶ ماه و جریمه کمتر از ۵۰ دینار یا یکی از این دو محکوم خواهد شد (قانون العقوبات العراقي، ماده ۴۳۵).^۱

۳-۴. توهین مشدد در قانون ایران:

توهین مشدد در قوانین ایران مصادیق متعددی دارد که حقوقدانان با تفکیک آنها تحت مصادیق ذیل از این موارد بحث کرده‌اند:

۳-۴-۱. توهین مشدد به اعتبار مسؤولیت و مقام:

در این مورد توهین به شخص به دلیل اینکه او مسؤولیتی دارد یا به جهت شغل او توهین صورت گرفته است. موارد آن در قانون ایران عبارتند از: *تال جامع علوم انسانی*
مورد نخست توهین به رهبری نظام اسلامی است که در ماده ۵۱۴ قانون مجازات اسلامی بیان شده است که: «هر کس به حضرت امام خمینی، بنیانگذار جمهوری اسلامی رضوان... علیه و مقام معظم رهبری به نحوی از انحاء اهانت نماید به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد». که طبق این قانون توهین به رهبری چه از حیث رهبر بودن او و مسؤولیت و چه از حیثیات دیگر مطلقاً جرم شناخته شده است (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۴: ۴۹۲).

^۱ «اذا وقع القذف او السب فی مواجهة المجنی علیه من غیر علانیة او فی حدیث تلفونی معه او فی مکتوب بعث به الیه او ابلغه ذلک بواسطة اخرى فتكون العقوبة الحبس مدة لا تزيد علی ستة اشهر وبغرامة لا تزيد علی خمسين دینارا او باحدى هاتین العقوبتین».



مورد دوم توهین به مقامات و کارکنان است که اگر توهین به سبب انجام وظیفه یا در حال انجام وظیفه آن‌ها باشد و متهم نیز با علم و آگاهی از سمت و مسوولیت شخص، اهانت کند؛ جرم محقق شده است که مشمول ماده ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی خواهد شد. که توهین به کارکنان دولت دارای ماهیت عمومی و غیرقابل گذشت می‌باشد و برای تعقیب متهم نیاز به شکایت شاکی مانند توهین ساده نمی‌باشد (ر.ک: رای وحدت رویه، شماره ۱۲، مورخ ۱۳۶۴/۱۲/۲۰ هیات عمومی دیوان عالی کشور) همچنین در بند الف ماده ۲ قانون جرم سیاسی (مصوب ۱۳۹۵) نیز یکی از مصادیق جرم سیاسی را مقرر کرده است: «توهین یا افتراء به رؤسای سه قوه، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونان رئیس جمهور، وزراء، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نمایندگان مجلس خبرگان و اعضای شورای نگهبان» که البته طبق ماده ۱ اگر این جرائم با انگیزه اصلاح امور کشور علیه مدیریت و نهادهای سیاسی یا سیاست‌های داخلی یا خارجی کشور ارتکاب یابد، بدون آنکه مرتکب قصد ضربه زدن به اصل نظام را داشته باشد؛ در زمره جرم سیاسی شمرده خواهد شد.

مورد سوم توهین به مقامات سیاسی خارجی می‌باشد که قانونگذار در ماده ۵۱۷ قانون مجازات اسلامی^۱ آن را با وجود سه شرط محقق می‌داند. شرط نخست این است که توهین به صورت علنی صورت بگیرد و این یعنی یا شخص ثالثی باشد و یا در محلی باشد که معد برای عموم است. شرط دومی که قانونگذار بیان کرده این است که تحقق این جرم منوط بر عمل متقابل آن کشور خارجی در برابر مقامات سیاسی ایران است و نهایتاً شرط سوم این است که برخلاف توهین به مقامات دولتی، ماهیت این جرم جنبه خصوصی دارد و با شکایت شاکی تعقیب متهم آغاز خواهد شد و با گذشت او نیز جرم منتفی می‌شود.

۳-۴-۲. توهین مشدد به اعتبار جنسیت و سن:

قانونگذار برای دفاع از اقشار آسیب‌پذیر در جامعه مانند زنان و کودکان که ممکن است در معرض خشونت قرار بگیرند، دفاع بیشتری داشته فلذا برای جرم انگاری توهین نیز در مقابل این قشر با شدت بیشتری برخورد کرده است و در ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی بیان کرده است که: «هر کس در

^۱ «هر کس علناً نسبت به رئیس کشور خارجی یا نماینده سیاسی آن که در قلمرو خاک ایران وارد شده است توهین نماید به یک تا سه ماه حبس محکوم می‌شود مشروط به اینکه در آن کشور نیز در مورد مذکور نسبت به ایران معامله متقابل بشود. تبصره: اعمال مواد این فصل منوط به تقاضای دولت مربوطه یا نماینده سیاسی آن دولت یا مطالبه مجنی علیه یا ولی او است و در صورت استرداد تقاضا تعقیب جزائی نیز موقوف خواهد شد.»



اماکن عمومی یا معابر متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان بشود یا با الفاظ و حرکات مخالف شوون و حیثیت به آنان توهین نماید به حبس از دو تا شش ماه و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد».

۳-۴-۳. توهین مشدد به دلیل قداست:

در ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی مقرر شده است که «هر کس به مقدسات اسلام و یا هر یک از انبیاء عظام یا ائمه طاهرین(ع) یا حضرت صدیقه طاهره(س) اهانت نماید اگر مشمول حکم ساب‌النبی باشد اعدام می‌شود و در غیر این صورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد». همچنین در قوانین دیگر مانند قانون مطبوعات در ماده ۲۶ نیز این موضوع پیش بینی شده است.

۳-۴-۴. توهین مشدد به سبب استفاده از ابزار خاص:

اگر متهم از اسباب خاصی برای توهین استفاده نماید بطور مثال توهین خود را در قالب‌های شعر و نثر بیان نماید؛ یا مثلاً از رسانه‌های عمومی و مطبوعات بهره‌برداری (ر.ک: بند ۷ و ۸ ماده ۶، تبصره ۲ ماده ۳۰ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴) یا در فضای مجازی (ر.ک: مواد ۱۶، ۱۷، ۱۸ از قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸) آن توهین را منتشر نماید؛ این موارد در قانون مجازات اسلامی، قانون مطبوعات و قانون جرائم رایانه‌ای جرم‌انگاری شده‌اند و به صورت مشدد از توهین ساده، مجازات تعیین شده است.

۳-۵. توهین مشدد در قانون عراق:

در قانون عقوبات عراق تنها دو عامل تشدید مجازات در توهین وجود دارد. مورد نخست آن است که مجنی علیه در قذف (به اصطلاح قانون عراق) یکی از کارمندان و مقامات دولتی باشد که در حین وظیفه یا به سبب انجام وظیفه به او توهین شده است. مورد دوم که طبق قانون عراق سبب تشدید مجازات توهین می‌شود، آن است که متهم از ابزار رسانه‌ای و یا فضای مجازی برای ارتکاب عمل مجرمانه بهره‌برداری (فهمی ناصر، ۲۰۱۷م: ۲۷) که در این صورت، مجازات وی مشدد خواهد شد. دلیل این مطلب نیز پرواضح است که در صورت استفاده از چنین ابزاری بستر برای دیدن و شنیدن افراد بیشتری مهیاست و جرم توهین که علیه شرافت و حیثیت فرد مجنی علیه است، در این موارد دچار خطر بیشتری می‌گردد؛ لذا قانونگذار برای حمایت از آبرو و شرف افراد در این موارد مجازات را تشدید نموده است. لذا هم در بند دوم ماده ۴۳۳ نسبت

۱. ماده ۷۰۰ قانون مجازات اسلامی: هر کس با نظم یا نثر یا به صورت کتبی یا شفاهی کسی را هجو کند و یا هجویه را منتشر نماید به حبس از یک تا شش ماه محکوم می‌شود.



به جرم قذف و هم در ماده ۴۳۴ نسبت به جرم توهین، قانونگذار عراقی استفاده از مطبوعات و رسانه را برای توهین، عامل تشدید مجازات خوانده است (مواد ۴۳۳ و ۴۳۴ قانون عقوبات عراق).^۱

۳-۶. موارد سقوط مجازات توهین:

چنانچه پیش تر موارد سقوط جرم قذف بیان شد، در مورد جرم توهین نیز در دو مورد قانونگذار عراقی مجازات توهین را اسقاط کرده است و جزو موارد اباحه سب خوانده است. اولاً موضوعاتی که دو طرف دعوا در دادگاه به یکدیگر نسبت می‌دهند از تحت عموم معنای سب خارج است (بند اول ماده ۴۳۶ قانون عقوبات عراق). ثانیاً کسی که از ظلم شدید ظالمی به غضب آمده، اگر او را سب نماید؛ عقاب ندارد. گویی قانونگذار عراقی تحریکی که از طرف ظالم صورت گرفته را ظرف برای رفع مسوولیت کیفری دانسته است (بند دوم ماده ۴۳۶ قانون عقوبات عراق).^۲

اما در قانون ایران به طور کلی، مصداقی نیست که جرم توهین مباح گردد؛ حتی در مواردی که ممکن است توهین از حالت مشدد خود خارج شود، باز هم به لحاظ توهین ساده قابل پیگیری از شخص شاکی می‌باشد. مثلاً در صورتی که کارمندی خلاف وظیفه خود به شخصی ظلم نماید و او به کارمند توهین نماید، گرچه نمی‌توان این را توهین مشدد مصداق ماده ۶۰۹ دانست اما به هر حال اطلاق ماده ۶۰۸ آن را در بر خواهد گرفت (ر.ک: میرمحمد صادقی، ۱۳۹۴: ۵۰۱) با این حال در مواردی قابل فرض است که بگوییم توهین نیز ساقط می‌شود که عبارتند از:

۱. مورد توهین به مقامات سیاسی خارجی آن هم در شرایطی که تقابل جرم انگاری وجود نداشته باشد و این اساساً از جرم بودن مندرج در ماده ساقط شود.

۲. مواردی که مصداق دفاع مشروع باشد (اردبیلی، ۱۳۹۴: ۱، ۲۸۵) و توهین به عنوان یکی از ابزار دفع خطر به شمار رود و با لحاظ شرایط دفاع مشروع بتوان از توهین رفع مسوولیت کیفری کرد.

به نظر می‌رسد قانونگذار عراقی منصفانه عمل کرده است و موارد اباحه جرم توهین را به صورت صریح بیان نموده است، حال آنکه طبق قانون کیفری ایران اساساً جز با از بین رفتن شرایط اصلی مسوولیت کیفری

^۱ «وإذا وقع القذف بطريق النشر في الصحف او المطبوعات او باحدى طرق الاعلام الاخرى عد ذلك ظرفاً مشدداً.» «وإذا وقع السب بطريق النشر في الصحف او المطبوعات او باحدى طرق الاعلام الاخرى عد ذلك ظرفاً مشدداً.»

^۲ «لا جرمیة فیما یسندہ احد الخصوم او من ینوب عنهم الی الآخر شفاهاً او کتابیةً من قذف او سب اثناء دفاعه من حقوقه امام المحاکم وسلطات التحقیق او الهیئات الاخری وذلك فی حدود ما یقتضیه هذا الدفاع.»

^۳ «ولا عقاب علی الشخص اذا كان قد ارتكب القذف او السب وهو فی حالة غضب فور وقوع اعتداء ظالم علیه.»



و یا تحت عنوان مصرح قانونی که رفع مسوولیت کند، عامل خاصی که جرم توهین را مباح نماید، وجود ندارد. نتیجتاً آنچه از قوانین در خصوص توهین آمده است مطلق بوده و بدون لحاظ وجه آن مشمول مجازات است. لذا حیث اینکه عنصر مادی و روانی جرم ثابت گردد، طبق قوانین کنونی ایران قابل کیفر است. حال آنکه به طور اجمالی با بررسی دیدگاه‌های فقهاء و ادله متوجه خواهیم شد که در مواردی توهین جایز (انصاری دزفولی، ۱۴۱۵ ه.ق، ۱: ۲۵۵) (شهیدثانی، ۱۴۱۰ ه.ق، ۹: ۱۷۵) و بلکه در شرایطی که مثلاً مصداق امر به معروف و نهی از منکر باشد و راه دیگری برای دفع و رفع منکر باقی نمانده باشد و مورد از مسائل دارای اهمیت باشد، توهین واجب هم باشد (موسوی خمینی، ۱۴۰۹ ه.ق، ۱: ۴۷۸) اما صریحاً در ماده ۶ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب ۱۳۹۴ نیز آمده است: «هیچ شخص یا گروهی حق ندارد به عنوان امر به معروف و نهی از منکر به اعمال مجرمانه از قبیل توهین، افتراء، ضرب، جرح و قتل مبادرت نماید. مرتکب طبق قانون مجازات اسلامی، مجازات می‌شود.» که این اطلاقات قانونی در مسیر عدالت‌خواهی و تظلم نیز گاه‌گاهاً چالش‌هایی را برای معترضین به فساد و ظلم ایجاد می‌نماید. لذا شایسته بود قانونگذار جمهوری اسلامی مانند عراق، موارد اباحه توهین را مستقلاً بحث نماید یا تعریف جامع و مانعی از توهین ارائه کند که مصادیق مباح آن از تحت عنوان کیفری خارج گردد (ر.ک: مداح و حسینی خامنه‌ای، ۱۴۰۰: ۲۳۳).

توجیهاتی را می‌توان برای مباح دانستن این مصادیق از اهانت بیان نمود که در ذیل به چند مورد اشاره می‌نماییم:

۱. واکنش اجتماعی بر علیه مفساد باید به قدری باشد که فساد نزد جامعه قبیح بماند و هر کسی که حتی در فکر ایجاد فساد اجتماعی است، بداند بازخورد بسیار بالایی باید در قبال آن متحمل گردد. این واکنش اجتماعی وقتی رخ می‌دهد که حاکمیت خودش و عموم مردم را به مبارزه همه جانبه با فساد تشویق و ترغیب نماید. بدیهی است در این حالت هر کسی که دچار فساد گردد، قبل از اینکه نزد مقامات رسمی پاسخگو باشند، مردم او را طرد خواهند نمود. شواهد تاریخی و روایی متعددی دال بر این نوع استخفاف و هتک حرمت است تا اثر اجتماعی این استخفاف بر آن شخص، او را از گناه بازدارد و نهی از منکر کند.^۱

۱. نمونه اول: بدگویی جناب ابوذر (ره) و استخفاف و افشاگری مفسد عثمان و کارگزاران او، که در نهایت منجر به تبعید او شد (صفایی حائری، ۱۳۹۳، ۱: ۴۸۴).

نمونه دوم: بدگویی و دشنام عبدالله بن مسعود (ره) به عثمان که منجر به ضرب و جرح او شد (صفایی حائری، ۱۳۹۳، ۱: ۵۱۳).
نمونه سوم: نهی از منکر و بدگویی از ابوموسی اشعری توسط عبد خیر همدانی (ر.ک: شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق: ۲۴۹).



۲. عمده زورگویی‌ها و ظلم و فساد که اثرات وسیع اجتماعی و سیاسی دارد، عموماً از جانب سران قدرت و ثروت صورت می‌پذیرد، حال با این نوع جرم انگاری ممکن است هر انتقادی را ولو در غالب‌های هنری به شکل کاریکاتور یا شعر و... که در خصوص مسؤول یا کارگزار ظالم و فاسد بیان گردد، می‌توان مضمول عنوان هتک حرمت و توهین باشد و نتیجتاً مدیران خائن و فاسد در امنیت کامل بتوانند به فساد و تقصیر خود ادامه دهند و راه را نیز به اسم قانون بر عدالتخواهان ببندند.
۳. خوار و خفیف شدن ظالم یا فاسدی که با فعل یا ترک فعل خود علاوه بر ایراد آسیب‌های اخلاقی، اجتماعی و سیاسی به جامعه موجبات تضییع حقوق مردم را فراهم نموده است.

نکته مهم:

مسئله‌ای در این نظریه باقی می‌ماند که در صورت مباح دانستن این مصداق خاص از توهین، آیا جامعه دچار هرج و مرج نخواهد شد؟ پاسخ به این سوال آن است که طبق مبانی شرعی در دفاع مشروع - با لحاظ شرایط و مراتب - که بار اثبات بر عهده مدافع می‌باشد (اردبیلی، ۱۳۹۴: ۲۸۵)، در ما نحن فیه نیز همین‌طور می‌باشد. شخصی که توهین کرده است باید ثابت نماید که توهین او به دلیل نهی از منکر از ظلم یا فساد شخص مقابل بوده است و اگر نه صرف ادعا برای رهایی از مسؤولیت کیفری عمل، از او پذیرفته نخواهد بود (ر.ک: مداح و حسینی خامنه‌ای، ۱۴۰۰: ۲۳۹).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نمونه چهارم: تحقیر و لعن امیرالمؤمنین علیه السلام نسبت به اشعث بن قیس منافق (ر.ک: شریف الرضی، ۱۴۱۴ ق: ۶۲)
نمونه پنجم: تحقیر و افشای حقایق در مورد معاویه توسط امیرالمؤمنین علیه السلام (ر.ک: شریف الرضی، ۱۴۱۴ ق: ۳۷۵)



۴. نتیجه‌گیری:

با مطالعه بین دو قانون عراق و ایران، از آنجا که اساساً حد قذف در قانون عراق لحاظ نشده است و مبانی شرعی نیز در سیاست جنایی آن‌ها دیده نشده است و بیشتر متأثر از قانون مجازات عمومی فرانسه می‌باشد، می‌توان یافت که جرم انگاری ایران تطابق بیشتری را با شرع مقدس دارد. همچنین در خصوص میزان مجازات توهین، قانون عراق با شدت بیشتری نسبت به قوانین ایران عمل کرده است که این با اصول کلی جرم زدایی و تخفیف در مجازات‌ها منافی است. اما به هر حال نکته قابل توجه و استفاده از قوانین عراق آن است که اولاً به طور مستقل در جرم توهین و قذف (به معنای افترا در قانون ایران) مصادیق مباح را نیز ذکر کرده است. ثانیاً یکی از موارد مباحی که بیان کرده‌اند و اجمالاً مبانی شرعی نیز برای آن وجود دارد، موردی است که عامل توهین شخص، ظلم طرف مقابل باشد که این را می‌توان تحت عناوین عدم حرمت داشتن فاسق یا نهی از منکر توجیه نمود و قانونگذار ایران نیز می‌تواند به این سمت پیش رود که در جرم توهین نیز موارد مباح را در قانون ذکر نماید. ایضاً اینکه با مباح دانستن مصادیقی از توهین، جامعه دچار هرج و مرج نخواهد شد چرا که در هر صورت مانند دفاع مشروع، بار اثبات مورد اباحه بر عهده متهم می‌باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



فهرست منابع

الف) منابع فارسی:

- قرآن کریم
نهج البلاغه
- اربیلی، محمد علی (۱۳۹۴)، حقوق جزای عمومی، ۳ جلد، چاپ ۴۱، نشر میزان.
- دستغیب، سید عبدالحسین (بی تا)، گناهان کبیره، ج ۲، انتشارات جماران، چاپ ۶.
- رنه داوید - کامی ژوفره اسپینوزی (۱۳۹۱)، درآمدی بر حقوق تطبیقی و دو نظام بزرگ حقوقی
معاصر، ترجمه: دکتر سید حسین صفایی، چاپ ۹.
- سپهوند، امیرخان (۱۳۸۶)، جرائم علیه اشخاص، انتشارات مجد.
- مداح، مسعود (۱۴۰۰)، «قلمرو مسئولیت کیفری اشخاص در اعتراض به فساد و تقصیر کارگزاران
حکومت اسلامی»، کارشناسی ارشد، دانشگاه شاهد، دانشکده علوم انسانی.
- میر محمد صادقی، حسین (۱۳۹۴)، جرائم علیه اشخاص، نشر میزان، چاپ نوزدهم.
- میر محمد صادقی، حسین (۱۳۹۵)، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، نشر میزان.

ب) منابع عربی:

- المستشار عمرو عیسی الفقی (۱۹۹۹ق)، ضوابط الاثبات الجنائی، منشئه المعارف.
- خمینی، سید روح الله موسوی (۱۴۰۹)، تحریر الوسیله، عربی، ج ۲، مؤسسه مطبوعات دار العلم، چاپ:
اول، قم - ایران.
- خویی، سید ابو القاسم موسوی (۱۴۱۳)، مبانی تکملة المنهاج، عربی، وزیری، تعداد جلد: ۲ ف مؤسسه
إحیاء آثار الإمام الخوئی ره، ۱۴۲۲ هـ ق، نوبت چاپ: اول، قم - ایران.
- سلطان، الشاوی (۱۹۸۲م)، اصول التحقیق، الاجرامی، شركة ایاد للطباعة الفنیة.
- سمر فهمی، ناصر، (۲۰۱۷م) جرائم السب و القذف فی التشريع العراقي، جامعه دیالی، کلیه القانون.
- شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، نهج البلاغه (للسبیحی صالح)، محقق / مصحح: صالح،
صبحی، عربی، ۱، هجرت، قم.
- صفایی حائری، عباس (۱۳۹۳)، تاریخ امیرالمؤمنین علیه السلام، ۲ جلد، قم، انتشارات مسجد جمکران،
چاپ نهم.



- عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۰ق)، *الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی)* - کلاتر، عربی، جلد: ۱۰، ۱۴۱۰ هـ ق نوبت چاپ: اول، قم - ایران.
- عبدالامیر، العکیلی (۱۹۸۱م)، *اصول المحاکمات الجزائیة*، ج ۲، دارالکتب للطباعة و النشر، جامعه الموصول.
- عبدالمجید، عبدالهادی السعدون (۱۹۸۸م)، *اعتراف المتهم و اثره فی الاثبات الجنائی*، رساله ماجستير مقدمه الى كميّة القانون، جامعه البغداد.
- عکبری، محمد بن محمد (شیخ مفید) (۱۴۱۳ق)، *الجمال و النصره لسید العتره فی حرب البصره*، ۴۱۳ ق، عربی، جلد: ۱، کنگره شیخ مفید، ایران؛ قم.
- علی، السماک (۱۹۹۰م)، *الموسوعة الجنائیة*، ج ۱، ط ۱، مطبعة الجاحظ، بغداد.
- فراهیدی، خلیل بن أحمد (۱۴۰۹ق)، *کتاب العین*، ۱۷۵ ق، عربی، جلد: ۹، نشر هجرت، قم.
- فیومی، أحمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير، لغتنامه*، عربی، تعداد جلد: ۲، موسسه دارالهجرة، قم، نوبت چاپ: دوم.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، *الکافی (ط - الإسلامية)*، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، کتب اربعه، عربی، ج ۸، دار الکتب الإسلامية، تهران.
- مشکینی، میرزا علی (۱۴۱۷ق)، *مصطلحات الفقه، موسسه دارالحدیث للعلمیة و الثقافیة*، قم، ایران.
- نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن (۱۴۰۴ق)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، عربی، ج ۴۳، دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم، بیروت - لبنان محقق / مصحح: عباس قوچانی - علی آخوندی

قوانین

- قانون کاهش مجازات حبس تعزیری (مصوب ۱۳۹۹)
- قانون مجازات اسلامی کتاب تعزیرات (مصوب ۱۳۷۵)
- قانون جرایم رایانه‌ای (مصوب ۱۳۸۸)
- قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر (مصوب ۱۳۹۴)
- قانون مطبوعات (مصوب ۱۳۶۴)
- قانون جرم سیاسی (مصوب ۱۳۹۵)